

● یکشنبه ۱۴۰۴ تیر ۸ ● شماره ۴۸۴

ظهران ممدانی؛ رهبر تغییر در نیویورک

نامزد چپ گرای شهرداری خواستار اتوبوس‌های رایگان، مراکز عمومی مراقبت از کودک و توقف رشد اجاره‌بها برای تضمین رفاه عمومی است

ظُهران ممدانی، سوسیال‌دموکرات آمریکایی هندی تبار، در انتخابات اخیر برای مقام شهرداری نیویورک به چهره‌ای برجسته و بحث‌برانگیز تبدیل شده است. او که از سال ۲۰۲۱ نماینده‌ی مجلس ایالتی از منطقه‌ی آستوریا در کوئینز بوده، با پیروزی در انتخابات مقدماتی حزب دموکرات، ساختار قدرت سنتی را شگفت‌زده کرده است. این پیروزی نتیجه‌ی بسیج ائتلافی گسترده از کارگران، فعالان حقوق مستأجران، مهاجران، جوانان و گروه‌های ترقی‌خواه است که به چشم‌انداز او برای بازتعریف نیویورک به‌عنوان «شهری برای مردم» باور دارند. کارزار انتخاباتی او برخلاف سیاست‌های متداول که اغلب در خدمت منافع شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاران است، بر رفاه جمعی، عدالت اجتماعی و دموکراسی مشارکتی تمرکز دارد. این رویکرد که سال‌ها در سیاست‌های شهری نیویورک غایب بوده، نه‌تنها ساختار سیاسی شهر را به چالش کشیده، بلکه امیدی تازه برای طبقات محروم و متوسط ایجاد کرده است.

ممدانی با برنامه‌ای جسورانه، اولویت‌های سنتی شهرداری را بازتعریف کرده و خواستار سیستمی شده که در آن تصمیم‌گیری‌های شهری از اتاق‌های بسته‌ی نخبگان به جوامع محلی منتقل شود. او معتقد است که شهر باید در خدمت ساکنانش باشد؛ نه صرفاً ابزار برای سودآوری سرمایه‌داران. این دیدگاه که ریشه در نقدهای ساختاری به سرمایه‌داری شهری دارد، ممدانی را به یکی از پیشروترین چهره‌های سیاسی نسل جدید تبدیل کرده است.

ریشه‌ها و دیدگاه

ظُهران ممدانی در سال ۱۹۹۱ در کامپالا، پایتخت اوگاندا، متولد شد. او فرزند «محمود ممدانی»، روشنفکر برجسته و نظریه‌پرداز پسااستعماری و «میرا نایر»، فیلم‌ساز سرشناس هندی است. خانواده او که به دلیل فعالیت‌های سیاسی و روشنفکرانه در اوگاندا تحت فشار بودند، در سال ۱۹۹۸ به نیویورک مهاجرت کردند. ممدانی در محیطی پرورش یافت که گفت‌وگوهای سیاسی، نقد قدرت و تعهد به عدالت اجتماعی بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی روزمره بود. این پیشینه، همراه با تجربه‌ی زیسته‌ی مهاجرت، دیدگاه او را به شدت تحت تأثیر قرار داد و او را به سمت فعالیت در جنبش‌های همبستگی جهانی و نقدهای پسااستعماری سوق داد.

ممدانی در کالج دودین در «مین» تحصیل و مدرک خود را در رشته علوم سیاسی و مطالعات آفریقایی دریافت کرد. پیش از ورود به سیاست، او به‌عنوان مشاور پیشگیری از مصادره منازل فعالیت می‌کرد و با مستأجرانی کار می‌کرد که در معرض اخراج از خانه‌هایشان بودند. این تجربه، درک عمیقی از نابرابری‌های ساختاری در نظام مسکن به او داد و انگیزه‌ای برای ناپذیری فعالیت سیاسی‌اش شد. او عضو حزب دموکرات است، اما همکاری نزدیکی با «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» (DSA) دارد و به‌عنوان یکی از اعضای برجسته‌ی این سازمان شناخته می‌شود که در سال‌های اخیر به نیروی سیاسی مهمی در آمریکاتبدیل شد. این سازمان نقش کلیدی در حمایت از نامزدهای جوانی مانند ممدانی ایفا کرده است.

طلوع سیاسی ممدانی در سال ۲۰۲۰ رخ داد؛ زمانی که با حمایت DSA و با شکست یک نماینده قدیمی، به مجلس ایالتی نیویورک راه یافت. در دوره نمایندگی‌اش، او به‌عنوان مدافع سرسخت حقوق مستأجران، مالکیت عمومی و دسترسی همگانی به خدمات عمومی مانند حمل‌ونقل و مراقبت‌های بهداشتی شناخته شد. مواضع او، به‌ویژه در زمینه‌ی حقوق مستأجران، او را به میراث فعالانی چون الا بکر و فردمیتون، از رهبران جنبش حقوق مدنی و پلنگ‌های سیاه، پیوند می‌دهد. او همچنین از منتقدانانی چون «آنجلا دیویس» و «آمارتیا سن» الهام گرفته و معتقد است که دموکراسی واقعی باید فراتر از صندوق‌های رأی، به حوزه‌ی شرایط مادی زندگی روزمره گسترش یابد.

این دیدگاه، پایه‌ی تلاش ممدانی برای شهردار شدن نیویورک بود. او از مسیر میانه‌روی سنتی در مدیریت شهری فاصله گرفته و برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر بازار و بودجه‌بندی ریاضتی را رد می‌کند. در عوض، او خواستار حکمرانی مشارکتی است که در آن شهروندان به‌طور مستقیم در تصمیم‌گیری‌های شهری مشارکت کنند. ممدانی باور دارد توسعه‌ی شهری نباید در خدمت سودآوری سرمایه‌گذاران باشد، بلکه باید نیازهای واقعی مردم؛ به‌ویژه گروه‌های حاشیه‌نشین- را در اولویت قرار دهد. او معتقد است وقتی مسکن، حمل‌ونقل یا خدمات عمومی صرفاً بر اساس منطق سود طراحی می‌شوند، نتیجه ساخت برج‌های لوکس، بی‌توجهی به مسکن مقرون به‌صرفه و کاهش سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی به بهانه‌ی صرفه‌جویی است. این سیاست‌ها بیش از همه به طبقات فرودست و جوامع اقلیت آسیب می‌زند.

از نظر ممدانی، برابری واقعی تنها با دگرگونی ریشه‌ای ساختارهای تولید نابرابری (نژادی، طبقاتی و جنسیتی) ممکن است. عدالت ساختاری که محور اصلی برنامه‌ی اوست، به معنای بازطراحی نظام شهری برای توانمندسازی گروه‌هایی است که سال‌ها از دسترسی به قدرت و منابع محروم بوده‌اند. این دیدگاه، نیویورک را از فضایی برای سوداگری سرمایه‌داران به جامعه‌ای مبتنی بر کرامت انسانی و عدالت اقتصادی-اجتماعی تبدیل می‌کند.

نقشه ترقی خواهانه

پلتفرم انتخاباتی ممدانی برنامه‌ای گسترده و جاه‌طلبانه ارائه می‌دهد که بر توزیع مجدد ثروت، گسترش مالکیت عمومی و توانمندسازی نیروی کار متمرکز است. گزارش‌های اخیر نیویورک تایمز و فوربز (۲۵ ژوئن ۲۰۲۵) برخی از پیشنهادهای کلیدی او را برجسته کرده‌اند: **-فروشگاه‌های مواد غذایی متعلق به شهرداری:** ممدانی برای مقابله با «بیابان‌های غذایی» در محله‌های فقیرنشین و مبارزه با گران فروشی، پیشنهاد ایجاد شبکه‌ای از فروشگاه‌های مواد غذایی تحت مدیریت شهرداری را داده است. این فروشگاه‌ها با استخدام نیروی کار اتحادیه‌ای و تأمین کالا از تولیدکنندگان محلی، نه‌تنها دسترسی به غذای سالم را بهبود می‌بخشند، بلکه به اقتصاد محلی نیز کمک می‌کنند. این طرح همچنین به کاهش وابستگی به فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگ و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار کمک خواهد کرد.

-اتوبوس رایگان و مراقبت همگانی از کودکان: ممدانی حمل‌ونقل عمومی و مراقبت از کودکان را حقوق اساسی می‌داند؛ نه خدماتی که باید برای آن‌ها پرداخت کرد. او وعده داده است که اتوبوس‌های MTA رایگان شوند و مراکز مراقبت از کودکان با بودجه‌ی عمومی در تمام مناطق شهر؛ به‌ویژه در محله‌های کم‌درآمد، راه‌اندازی شوند. این سیاست‌ها با هدف کاهش فشار مالی بر خانواده‌های کارگری و بهبود کیفیت زندگی طراحی شده‌اند.

- ثبات اجاره و عدالت در مسکن: ممدانی پیشنهاد توقف پنج‌ساله‌ی افزایش اجاره‌بهای واحدهای مشمول کنترل اجاره، سرمایه‌گذاری گسترده در مسکن اجتماعی و محدودسازی قدرت موجران شرکتی را داده است. او همچنین برنامه‌ای برای ساخت ۲۰۰ هزار واحد مسکونی مقرون به‌صرفه تحت مالکیت عمومی ارائه کرده است. این طرح در شهری که جزو گران‌ترین شهرهای جهان است، گامی بزرگ برای تضمین حق سرپناه برای همه ساکنان محسوب می‌شود.

- حمایت از نیروی کار و کسب‌وکارهای کوچک: ممدانی وعده داده حداقل دستمزد تا سال ۲۰۳۰ به ۲۰ دلار در ساعت افزایش یابد و مقررات جدیدی برای اپلیکیشن‌های تحویل غذا وضع شود تا از حقوق کارگران این بخش که عمدتاً مهاجران هستند، حمایت کند. او در کنار جنبش‌های کارگری مانند «لوس دیلوریستاس یونیدوس»، گروهی خودسازمان‌یافته از کارگران تحویل غذا، ایستاده است. همچنین، او پیشنهاد ایجاد مقام «نزار کسب‌وکارهای محلی» را داده است تا از کسب‌وکارهای کوچک در برابر فشارهای مالیاتی، اجاره‌های بالا و رقابت ناعادلانه با فروشگاه‌های زنجیره‌ای و پلتفرم‌های دیجیتال مانند آمازون حمایت کند.

-همبستگی بین‌المللی: جنبجالی‌ترین موضع ممدانی، اعلام آمادگی برای بازداشت بنامیان نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، به استناد حکم دادگاه بین‌المللی کیفری

(ICC) به اتهام جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت است. این موضع نمادین، همسویی او با جنبش‌های ضداستعماری و عدالت جهانی را نشان می‌دهد. این اظهارات تحسین گروه‌های حامی فلسطین را برانگیخته، اما خشم رسانه‌های محافظه‌کار و برخی گروه‌های سیاسی را نیز در پی داشته است.

این سیاست‌ها نه‌تنها پیشرو، بلکه در جهت‌گیری رادیکال هستند و ساختار سرمایه‌داری شهری را به چالش می‌کشند. تأکید ممدانی بر مالکیت عمومی، حمایت از نیروی کار و عدالت اجتماعی، او را از رویکردهای نولیبرال و لیبرال‌های میانه‌رو متمایز می‌کند. برنامه‌های او همچنین به دنبال بازتوزیع قدرت و منابع به نفع جوامع حاشیه‌نشین است؛ گروه‌هایی که سال‌ها از سیاست‌گذاری‌های شهری کنار گذاشته شده‌اند.

حامیان، منتقدان و شکاف عمومی

صعود سیاسی ممدانی واکنش‌های به شدت دوقطبی را برانگیخته است. از یک سو، سازمان‌های مردمی، اتحادیه‌های مستأجران، گروه‌های کارگری و سیاستمداران ترقی‌خواه از چشم‌انداز او به‌عنوان آینده‌ای نوگرا و عادلانه تمجید کرده‌اند. شبکه‌ی الجزیره پیروزی او در انتخابات مقدماتی را نقطه‌ی عطفی برای سیاست‌های حامی فلسطین در آمریکا توصیف کرده است. هیأت تحریریه واشنگتن پست نیز او را «چپ‌گراترین فرد از نظر ایدئولوژیک پس از برنی سندرز» در یک رقابت شهری بزرگ خوانده است. این تمجیدها نشان‌دهنده استقبال گسترده‌ای است که ممدانی در میان فعالان و رأی‌دهندگان جوان و چندقومیتی به دست آورده است. در مقابل، منتقدان؛ به‌ویژه محافظه‌کاران و نمایندگان منافع تجاری، هشدار داده‌اند که سیاست‌های او می‌تواند به هرج‌ومرج اقتصادی منجر شود. برخی نشریه‌های تندرو آمریکایی استدلال کرده‌اند که طرح‌هایی مانند فروشگاه‌های دولتی و توقف افزایش اجاره‌بها، سرمایه‌گذاری را کاهش داده و مالکان کوچک را نابود می‌کند. رسانه‌های محافظه‌کار او را «رادیکالی به سبک تروتسکی» توصیف کرده‌اند و برخی رهبران کسب‌وکار، شهر را به خروج سرمایه تهدید کرده‌اند. این انتقادها اغلب ریشه در نگرانی از کاهش سودآوری بخش خصوصی و تغییر تعادل قدرت به نفع طبقات کارگر دارد.

بااین حال، ممدانی در میان رأی‌دهندگان جوان، مهاجران و ساکنان مناطق بیرونی نیویورک از حمایت گسترده‌ای برخوردار است. شعار او برای ساختن شهری در خدمت «مردم، نه سود» در شرایطی که اجاره‌ها سرسام‌آور، دستمزدها را کم و تهدیدات سیاسی مانند رشد فاشیسم در حال افزایش است، در میان طبقات فرودست و متوسط طنین‌انداز شده است. کارزار او توانسته رأی‌دهندگان جدیدی را بسیج کند و تحلیل سیاسی نوننی نسبت به نقش دولت شهری ایجاد کند. این حمایت به‌ویژه در میان جوامع چندفرهنگی کوئینز، بروکلین و برانکس که از افزایش هزینه‌های زندگی و نابرابری اقتصادی رنج می‌برند، قابل توجه است.

مقاومت در برابر سیستم

پیروزی ممدانی در انتخابات مقدماتی بر اندرو کومو، فرماندار پیشین ایالت نیویورک، با ۴۳.۵ درصد در برابر ۴۶.۴ درصد، شگفتی سیاسی بزرگی بود. کومو که نماینده ساختار سنتی قدرت و سیاست‌های میانه‌رو است، اکنون در حال بررسی نامزدی مستقل است. این پیروزی نشان‌دهنده تغییر در فضای سیاسی نیویورک و رشد نفوذ



جنبش‌های ترقی‌خواه است. انتخابات پیش‌رو احتمالاً به همه‌پرسی ایدئولوژیک در باره‌ی آینده نیویورک تبدیل خواهد شد؛ جایی که دو دیدگاه متضاد- یکی مبتنی بر حفظ وضع موجود و دیگری خواستار تحول ساختاری- با یکدیگر رقابت می‌کنند.

با وجود مشارکت پایین در انتخابات مقدماتی (حدود ۱۷ درصد)، کارزار ممدانی با تکیه بر سازماندهی مردمی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ائتلاف‌سازی با گروه‌های محلی، مسیر پیروزی را هموار می‌بیند. بااین حال، او با موانع ساختاری متعددی روبه‌روست: پوشش منفی رسانه‌ای، فشارهای لابی املاک و مستغلات، مقاومت اتحادیه‌های نیروهای انتظامی و محدودیت‌های منشور شهرداری نیویورک که قدرت شهردار را در برخی حوزه‌ها محدود می‌کند.

حتی اگر ممدانی در انتخابات نهایی شکست بخورد، او میدان سیاسی را بازتعریف کرده است. نامزدی او موضوعاتی مانند مالکیت عمومی، همبستگی جهانی و دموکراسی اقتصادی را به مرکز گفتمان شهری آورده است. او با طرح این مسائل، گفت‌وگوهای سیاسی را از چارچوب‌های سنتی فراتر برده و به موضوعات ساختاری مانند نابرابری و عدالت پرداخته است. به قول یکی از حامیان‌ش: «حتی اگر شهرداری را نبریم، بحث را برده‌ایم.» این تأثیرگذاری نشان‌دهنده قدرت کارزار او در تغییر ذهنیت‌ها و ایجاد گفتمانی جدید در باره‌ی آینده شهر است.

شهری برای مردم

شعار «شهری برای مردم» به هسته فلسفی چشم‌انداز ممدانی تبدیل شده است. این شعار، نقدی بنیادین بر تحول نیویورک به فضایی است که به‌جای خدمت به ساکنان، تحت سلطه پول، سفته‌بازی و فرصت‌های خصوصی‌شده قرار گرفته است. نیویورکی برای مردم، تجربه زیست شهری را به پروژه‌ای جمعی تبدیل می‌کند که بر دسترسی برابر، عدالت و کنترل اجتماعی بر منابع استوار است. این دیدگاه در برابر منافع بازارهای مالی و شرکت‌های بزرگ می‌ایستد و خواستار بازتعریف شهر به‌عنوان فضایی برای زندگی، نه صرفاً کسب سود، است.

این روحیه در تمام برنامه‌های ممدانی دیده می‌شود. فروشگاه‌های دولتی مواد غذایی، باور به مسئولیت عمومی در تأمین نیازهای اساسی رانشان می‌دهند. توقف افزایش اجاره‌ها و گسترش مسکن عمومی، سرپناه را از کالایی تجاری به حقی انسانی تبدیل می‌کند. حمل‌ونقل و مراقبت کودک رایگان، سرمایه‌گذاری‌هایی اجتماعی هستند که کرامت انسانی را در اولویت قرار می‌دهند. این سیاست‌ها در مجموع، تلاشی جامع برای بازتوزیع قدرت از موجران به مستأجران، از شرکت‌ها به جوامع و از بخش خصوصی به عمومی است.

در درانی که شهرها بیش از پیش در خدمت سرمایه هستند، اصرار ممدانی بر اولویت دادن به مردم، بازگشتی رادیکال به وعده دموکراسی شهری است. او شهر را نه به‌عنوان کسب‌وکاری برای سودآوری، بلکه به‌عنوان خانه‌ای برای ساکنانش می‌بیند. این دیدگاه، به‌ویژه در زمانه‌ای که بحران اقلیمی، نابرابری اقتصادی و یأس سیاسی رو به افزایش است؛ امیدی برای بازسازی شهری مبتنی بر عدالت و همبستگی ایجاد می‌کند. چه ممدانی در انتخابات پیروز شود چه نه، کارزار او چالشی برای کسانی است که شهر را صرفاً فضایی برای کسب‌وکار می‌دانند و نقطه اتکایی برای کسانی است که باور دارند شهر می‌تواند خانه‌ای برای همه باشد.

جهان انتیو

A T I V E N O

۱۳

ت
ن
۱
۰
نکته

سهم کارگران مسن از رفاه

افزایش سن بازنشستگی، اگرچه از منظر نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول، راهکاری برای مهار بدهی عمومی دولت‌ها و مقابله با چالش سالمندی جمعیت تلقی می‌شود، اما در واقعیت زندگی کارگران اروپایی، به‌ویژه آن‌هایی که از سنین پایین در مشاغل سخت و کم‌درآمد فعالیت کرده‌اند، بیشتر به شوخی تلخ و بی‌رحمانه شباهت دارد تا یک سیاست معقول. کارگرانی که تمام عمر خود را در کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و محیط‌های فیزیکی گذرانده‌اند، اکنون از آنان خواسته می‌شود تا ۷۰ سالگی در بازار کار بمانند، در حالی که بدن‌های فرسوده‌شان دیگر توان همراهی ندارد. آن‌ها این ایده را «مضحک» و «ناعادلانه» می‌دانند، نه فقط به دلیل خستگی جسمی، بلکه از سر حس بی‌عدالتی تاریخی؛ چراکه همان‌ها که بیشترین سهم را در ساختن زیرساخت‌های جوامع داشته‌اند، کمترین بهره را از امنیت و رفاه اجتماعی برده‌اند. صدها روایت از سراسر جهان این ادعا را تأیید می‌کند؛ کسانی که از نوجوانی کار کرده‌اند، مالیات داده‌اند، به جامعه خدمت کرده‌اند، اما اکنون باید بیشتر و طولانی‌تر کار کنند، درحالی‌که از دسترسی به خدمات عمومی مناسب، مراقبت اجتماعی و حتی تفریح و آسایش محرومند.

افزون بر این، گسترش چنین سیاستی می‌تواند به تشدید نابرابری‌های اجتماعی بینجامد. آن‌ها که مشاغل اداری با درآمد مناسب دارند، ممکن است با کار بیشتر مشکلی نداشته باشند، اما کارگرانی که با زانوهای فرسوده، ستون فقرات خمیده و دست‌های پینه‌بسته کار کرده‌اند، نه می‌توانند و نه باید تا این سن ادامه دهند. بدتر آن که سیاستگذاران اغلب از واقعیت‌های زندگی این طبقه فاصله دارند و تصمیم‌هایی می‌گیرند که خودشان هرگز تحت تأثیر مستقیم آن‌ها قرار نمی‌گیرند. در بسیاری از کشورها، دولت‌ها به جای اصلاح ساختارهای مالیاتی، کنترل هزینه‌های عمومی یا کاهش ریخت‌وپاش‌ها در کمک‌های خارجی، حقوق بازنشستگی کارکنان رده‌بالا یا مزایای اجتماعی بلاوجه، ترجیح می‌دهند بار کاهش کسری بودجه را بر دوش سالمندانی بگذارند که زندگی‌شان را پای همین سیستم گذاشته‌اند. خشم پنهان کارگران در همین جا نهفته است. آن‌ها از سیستمی خسته‌اند که مدام می‌خواهد از آن‌ها فقط بگیرد؛ بدون آن‌که سهمی واقعی در رفاه و امنیت‌شان بازگرداند.

در حاشیه این بحث، موضوع مراقبت‌های اجتماعی نیز اهمیت دارد. اگر سالمندان مجبور شوند بیشتر کار کنند، چه کسی از کودکان، نوه‌ها و والدین سالمند آنان مراقبت خواهد کرد؟ بسیاری از سالمندان اکنون نقش حیاتی در مراقبت از خانواده دارند و کار آن‌ها، اگرچه رسمی نیست، اما به‌مراتب بارش‌تر از اشتغال اداری است. با حذف این نیروی پنهان، دولت‌ها باید هزینه‌ای بسیار بیشتر برای جایگزینی این خدمات بپردازند. افزون بر این، تبعیض نسبت به کارگران مسن همچنان گسترده است. شرکت‌ها تمایل کمتری به استخدام سالمندان دارند، بیمه‌ها گران‌تر می‌شود و فرصت‌های ارتقا کمتر در دسترس آن‌هاست. پس سیاست تشویق به کار تا ۷۰ سالگی، در غیاب سیاست‌های حمایتی واقعی، چیزی جز فشاری مضاعف بر گروهی آسیب‌پذیر نخواهد بود.

با این همه، برخی نیز از تجربه کاری در سنین بالا رضایت دارند. کسانی که با انگیزه شخصی یا برای تعامل اجتماعی، پس از بازنشستگی نیز مشغول کارند، می‌گویند شاغل بودن به آن‌ها نشاط و معنا می‌بخشد؛ اما تفاوت میان «انتخاب» و «اجبار» بسیار است.

پلتفرم انتخاباتی

ممدانی برنامه‌ای گسترده و

جاه‌طلبانه ارائه

می‌دهد که بر

توزیع مجدد

ثروت، گسترش

مالکیت عمومی

و توانمندسازی

نیروی کار متمرکز

است